

طراحی لباس سینمای ایران در ناکجاآباد!



محبوبه سلطانی
طراح لباس

جایگاه طراحی و تولید لباس در سینمای ایران کجاست؟

صنعت مد و لباس در سینمای ایران یا بهتر بگویم سقوط هنر مد و لباس به واسطه سینمای اقتصادی شده است. در این باب که سینما چگونه بر صنعت مد اثر می گذارد و برعکس، مقالات متعددی نوشته شده است. ارتباط مد و فیلم در نگاه اول هم زیستی به نظر می رسد و بر یکدیگر تأثیر می گذارند. شارلوت نیمن در کتاب «فیلم و فشن» با اتکا به دو فیلم موفق «هانگر گیمز» و «گتسبی بزرگ» تلاش می کند تا نقش فیلم در مد را بررسی کند. یافته های محققان نشان می دهند فیلم ها بیشترین تأثیر را بر توسعه مد فصلی می گذارند. با این حال، این ارتباط طبیعی نیست، بلکه به طور مصنوعی از سوی هر دو صنعت ایجاد شده است. از طریق همکاری سازمان یافته امروزی، مرزها بین طراحان لباس و طراحان مد محو شده است و امروزه مد به طور سنتی به مخاطبان منتقل

قبل از وسیله های ضرور، هنری قابل تأمل است، رویکردی که در ایران کاملاً معکوس است. در سینمای ایران لباس پا به حد هنر و صنعت مد نمی گذارد و ابزاری برای پوشاندن است. ارجحیت با لباسی است که خانم یا آقای بازیگر در خانه دارد و با خود به صحنه فیلم برداری می آورد. این ابزار هیچ فرصتی برای عرض اندام به عنوان هنری مستقل نیافته و قابلیت های خاص خود را هرگز کشف نکرده است. هر چند نگارنده معتقد است فرهنگ ایرانی و اسلامی قابلیت ها و جذابیت هایی در این عرصه دارد که توانایی رقابتی بسیط را به آن می دهد و این فرهنگ پوشیدگی است که می تواند به هنر تبدیل پوشش شود، فرهنگی که بیش از غرب و پیش از غرب مورد توجه شرقیان بوده است و هست. با این همه، سینما صرفاً از کنار تمام این قابلیت های فرهنگی و هنری عبور کرده و بیشتر مبلغ نگاهی است که جامعه سرمایه سالار به این کهنه هنر دارد، هنری که از پوشش و هنر پوشش به برهنگی و کالای برهنگی تبدیل شده است که این شاید از برهنگی تاریخی غرب و پوشیدگی سنتی شرق نشئت گرفته شده باشد. ولی همین فرهنگ، در مسیر مخالف هنر می رود و زائیده جامعه سرمایه داری و کالادگی می شود و تبدیل می شود به نگاهی صرفاً تولیدمحور، خالی از زادگاه فرهنگی و هنری خود، نگاهی که تعریف آدورنو و هورکهایمر در کتاب «صنعت فرهنگ سازی روشنگری به مثابه فریب توده ای» خلاصه ای کامل است از همه گفتمان هایی که می شود حول آن انجام داد. آدورنو و هورکهایمر می نویسند: قدرت تلاش می کند سلیقه مردم را شناسایی کند تا آن را به تولید انبوه برساند. این قدرت فرهنگ را به کالایی تبدیل می کند که به جای خلق شدن تولید می شود، در تیراژ انبوه با قیمت ارزان. این همه آن دلایلی است که باعث هنر طراحی لباس را در جامعه هنری ایران متولد نشده خفه شود و به یک صنعت بی رنگ و لعاب سطحی تبدیل شود.

نمی شود، بلکه با استفاده از فیلم و گستره وسیع آن تبلیغ و ترویج می شود. سینما همیشه به عنوان کارخانه بزرگ تجربیات منحصر به فرد و واقعیت های بی نهایت و دست نیافتنی بوده است و هست. مد هم به نوبه خود از این قاعده و تعریف پیروی می کند. این دو دنیا از دیرباز پیوندی ناگسستنی با هم داشته اند: اگر اولی روح را می پوشاند، دومی به بدن و جنبه خارجی می پردازد. ما نمی توانیم بدون اشاره به طراحان بزرگ لباس که ساخته های ارزشمند خود را بر تن بازیگران کرده اند، درباره سینما صحبت کنیم. این رؤیای زیبا در ایران و سینمای ایران هم نمود خود را دارد ولی از آنجا که ساز و کار دنیای مد در ایران در یک چرخه مستقل و به صورت یک صنعت و نه هنر و در رقابتی در قشر اجتماعی خاصی بررسی می شود نمی تواند با صنعت جهانی مد مورد قیاس قرار بگیرد.

دلیل حقیقی این امر را هم می توان در خاستگاه هنر مد جست و جو کرد. برای درک هنر مد در دنیای غرب، مرور فیلم های خوبی که در این باره ساخته شده اند کمک بسزایی به محقق و مخاطب می کند، فیلم هایی که این روزها کمیاب نیستند و به پشت پرده دنیای مد و زندگی طراحان لباس می پردازند، فیلم هایی چون «رشته خیال» اثر پل توماس اندرسون و خانه گوچی و ... این فیلم ها قبل از هر چیز به مخاطب علاقه مند به مد نشان می دهند طراحان بزرگ ترین برنده های دنیا در قدم اول هنرمند بوده و به دنبال کمال هنری بوده اند و لباس ابزاری بوده است مانند بوم نقاشی یا نگاتیو عکاسی، مد متولد عشق و هنر بوده است. هنر مد



۲۴ اردیبهشت ۱۴۰۱
۱۴ شوال ۱۴۴۳ شماره ۳۵۹

(۸)

شهرزاد

دکتر سمانه پور محمد
پژوهشگر ارتباطات و رسانه



ارزیابی شتاب زده درباره کتاب «روای بیدای»
که نامزد بخش مدافعان حرم کتاب سال دفاع مقدس شد

روایت عاشقانه از زندگی دو گل سرخ

کتاب «رؤیای بیداری» روایتی عاشقانه و خواندنی از زندگی شهید مدافع حرم مصطفی عارفی به روایت همسر شهید است. هم چنین الگویی از سبک زندگی اسلامی ایرانی برای جوانان به شمار می رود. داستان کتاب از یک سال پس از آشنایی تا شهادت همسرش ادامه دارد.

«یک روز آقامصطفی با سه تن از دوستان بسیجی اش به نام های جواد کوهساری، محمد اسدی و محمد جاودانی آمدند خانه. درباره درگیری های عراق و سوریه صحبت می کردند. از رفتن می گفتند. قبلاً من و آقامصطفی مفصل درباره این موضوع صحبت کرده بودیم. آقا مصطفی مصمم بود به رفتن، اما من هنوز تردید داشتم. آقامصطفی و دوستانش روی مبل های داخل هال نشسته بودند و من توی آشپزخانه بودم. سماور را روشن کردم و تا جوش آمدن آب داخل سماور، لیوان ها و قندان ها را توی سینی چیدم. سینی چای را گذاشتم روی این و خودم رفتم داخل اتاق. در را کمی باز گذاشتم تا صدای آن ها را بشنوم.



روای بیداری

• نویسنده: نسرين پرگ

ضمیمه روزنامه شهرآرا
صاحب امتیاز:
شهرداری مشهد
مدیرعامل:
سید میثم موسوی مهر
سرپرست:
ارژنگ حاتمی
مسئول ضمیمه:
حمیده وحیدی
صفحه آرایی و گرافیک:
جلال حاجی زاده

آقامصطفی می گفت: به نظر من ما نباید به عنوان یک نیروی عادی آموزش ندیده بریم. نیرویی که فقط بتونه تفنگ دستش بگیره، رفتنش تأثیر چندانی نداره. ما باید اول دوره های آموزشی رو ببینیم، بعد از خود عراقی ها نیروی داوطلب جمع کنیم و بهشون آموزش بدیم. آقای کوهساری خندید: هنوز که هیچ ارگانی قصد بردن ما رو نداره. بسیج هم که با ما همکاری نکرد.

آقای اسدی گفت: ارگان مرگان که نه، ولی شنیدم مامان جونت بلیت یک طرفه به سرزمین رؤیاها برات گرفته! آقای جاودانی گفت: مبارکه رفیق، از آقای اسدی جلوزدی! آقای اسدی گفت: فقط جهت اطلاع دوستان، خانواده برای آقازاده شون کت و شلوار خریدن. قراره به زودی ایشون متحول (!) ... ببخشین، متأهل بشن!

آقامصطفی گفت: من موندم این بشر به اضافه اون دو تا بشر دیگه ای که اینجا نشستن چرا تن به ازدواج نمی دن، به خصوص جناب کوهساری عزیز که اخیراً پدر محترمشون یک ماشین صفر براش خریده و یک طبقه از خونه رو هم به نامش زده. برادر عزیز، شما از بیست و چهار سالگی می تونستی زن بگیر و نگرفتی. تا الان چهار پنج سال تأخیر داری! بجنب دیر می شه!

آنچه خواندید بخشی از کتاب «رؤیای بیداری» به قلم نسرين پرگ بود. او نویسنده کتاب هایی از جمله «مروارید شکسته»، «در انتظار سپیده دم»، «زیرنخل های حاشیه ارون»، «پیاده تا افق»، «اگر بخوای فرشته می شوی»، مجموعه داستان «نوسان انتظار» و فرازهایی از زندگی شهدا را در کارنامه حرفه ای خود به ثبت رسانده است و اکنون دو کتاب در زمینه دفاع مقدس به نام های «شبی در قرارگاه» و «سلام راضیه» (خاطرات همسر شهید مهدی فرودی) را در دست چاپ دارد.

«رؤیای بیداری» تاریخ شفاهی زنان قهرمان را روایت می کند. شهید مصطفی عارفی سال ۱۳۹۵ در جریان دفاع از حرم حضرت زینب (س) در منطقه تدمر سوریه به مقام رفیع شهادت نایل آمد. این کتاب از سوی انتشارات ستاره ها منتشر شده است.